

در حاشیه دومین نشست وزرای عضو سازمان جهانی تجارت

در دومین نشست وزرای بازرگانی کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت (WTO) که در ماه مه ۱۹۹۸ در ژنو تشکیل بود، نکاتی از جمله: - مواضع کلی کشورها - مواضع کشورهای در برابر بیانیه پایانی اجلاس - اعلامیه وزرا در خصوص تجارت الکترونیکی جهانی، مطرح شد. اکنون به بررسی و شرح کوتاهی از این اجلاس خواهیم پرداخت:

۱- مواضع کلی کشورهای کشورهای در حال توسعه

این گروه از کشورهای، مصرانه خواستار اجرای دستور کار موسوم به BUILT IN AGENDA بودند که در آن، دو بخش عمده کشاورزی و خدمات بیشتر در مد نظر بود و تمایلی به افزودن سایر موارد به این دو بخش وجود نداشت، ضمن آنکه بررسی و چگونگی توزیع منافع حاصل از این دو بخش بین کشورهای عضو طلب می‌شد.

کشورهای توسعه نیافته

این گروه از کشورهای، بر خلاف گروه اول، علاقه‌مند به طرح موضوعات دیگر در دستور کار بودند. هر چند که بین این گروه نیز اختلاف نظرهایی به چشم می‌خورد، از جمله اینکه اتحادیه اروپا خواستار طرح تمام موضوعات در یک دستور کار جامع بود، در حالیکه دیگر کشورهای این گروه با گستردگی کار به این صورت موافق نبودند.

بیشتر در اجلاس چهار قدرت اقتصادی جهان (موسوم به QUAD، متشکل از کانادا، آمریکا، ژاپن و

اتحادیه اروپا) در مارس توافق شده بود که: -اولاً، در اجلاس دوم وزراء، روشی اتخاذ شود که با اتکالی به آن روش، توسط آقای روجیرو، مدیر کل سازمان به عنوان پیش نویس تهیه شد که در آن بدون توجه به گروه بندی کشورها قلمرو مذاکرات آتی را بازگذاشته بود،

● مکانیسم‌های به کار گرفته شده از سوی کشورهای قدرتمند جهان، در جهت دادن به دستور کار سازمان جهانی تجارت تاثیر جدی دارد.

بتوان در اجلاس سوم چگونگی آزاد سازی بیشتر تجارت را فراهم کرد. ثانياً، زمینه برای پرداختن به موضوعات مندرج در BUILT IN AGENDA به علاوه آنچه در تصمیمات اجلاس سنگاپور گرفته

● هر چه گستره فعالیت WTO بیشتر می‌شود، یکپارچگی کشورهای در حال توسعه بیشتر رنگ می‌بازد.

شده بود، یا هر موضوع دیگری که متضمن منافع کشورهای عضو باشد، تامین شود. اما همان گونه که قبلاً ذکر شد، اختلاف نظر این گروه در نشست دوم وزرا کاملاً مشهود بود، به طوری که اتحادیه اروپا خواستار باز شدن کامل دستور کار بود، در حالی که ژاپن سرمایه‌گذاری و تعرفه‌های تولیدات صنعتی را در کنار دستور کار طلب می‌کرد و آمریکا نیز خواستار گنجائیدن بحث تجارت الکترونیکی جهانی در دستور کار بود که در این زمینه نیز موفق شد.

۲- مواضع کشورهای در قبال بیانیه پایانی

- بیانیه اول ابتدا، بیانیه‌ای در ۱۲ پاراگراف

در این بین، اتحادیه اروپا خواهان اشاره بیانیه به تضمین دستیابی به هدف‌های توسعه پایدار از طریق سازمان جهانی تجارت، ضرورت شفافیت سیستم، تقبیح و مقاومت در برابر اقدامات حمایتی، تضمین سطح موثری از دسترسی به بازار و اعلام آغاز به کار فرایند آماده سازی اجلاس سوم وزرا بود، به نحوی که به یک دستور کار جامع برای آزادسازی تجاری منتهی شود.

پیش نویس بیانیه دوم

در اعتراض به پیش نویس بیانیه اول، مدیر کل سازمان جهانی تجارت، بیانیه دیگری را که متعادل تر بود، ارائه داد، اما این بیانیه نیز با واکنش‌های متفاوت گروهی از کشورهای روبرو شد. این بیانیه در تامین نظر اتحادیه اروپا در خصوص محیط زیست و هدفهای توسعه پایدار، به تداوم تلاش و بررسی هدف های توسعه پایدار اشاره داشت که با مخالفت کشورهای در حال توسعه روبرو شد و در نهایت، عبارت " رشد اقتصاد پایدار" به متن اضافه شد. در بخش مربوط به الحاق کشورهای جدید به سازمان جهانی تجارت نیز که عبارت "تعهد کشورهای متقاضی به احترام به مقررات سازمان تجارت جهانی" پیشنهاد شده بود، مورد اعتراض کشورهای در حال توسعه قرار گرفت و عبارت CONCESSIONS MEANINGFUL AND COMMERCIALY VIABLE MARKET ACCESS به صورت زیر اصلاح و در بیانیه گنجانده شد.



پذیرش آگهی

برای

Iran Commerce

و

نامه‌اتاق بازرگانی

تلفن: ۸۳۸۳۳۳۳

فاکس: ۸۸۲۵۱۱۱



تبلیغات

مشاوره، طرح و برنامه‌ریزی
مدیریت، اجرا

- بازاریابی و مسترشن فروش
ارائه شیوه‌های نوین بازاریابی
- طراحی گرافیک، خدمات چاپ
بروشور، کاتالوگ، پوستر و ...

۱۳۷۸

تقویم و سررسید نامه
با طرح ویژه (اختصاصی)



تلفن / فاکس ۸۳۰۲۹۵

قرار گیرد.

نتیجه

هر چند که بر اساس رویه معمول در سازمان جهانی تجارت تصمیمات باید با کسب نظر موافق اعضا (اجماع) صورت پذیرد و عکس العمل‌های کشورهای در حال توسعه در واقع نوعی عامل بازدارنده به شمار می‌رود، ولی نباید فراموش کرد که مکانیسم‌های به کار گرفته شده از سوی کشورهای قدرتمند جهان، در جهت دادن به دستور کار این سازمان بسیار موثر است. از جمله شرکت ریاست جمهوری آمریکا در پنجاهمین سالگرد «گات» و پیشنهاد او مبنی بر صدور اعلامیه درباره تجارت الکترونیکی و تصویب آن در اجلاس دوم وزرا و هم چنین، پیشنهاد هفت محور برای کار آتی WTO از سوی او، همگی نشان از واقعیتی دارد که نمی‌توان از کنار آن به سادگی گذشت.

در نشست دوم روشن شد که هر چه گستره فعالیت WTO بیشتر می‌شود، مسایل بیشتری را نیز در دستور کار خود قرار میدهد و یکپارچگی کشورهای در حال توسعه رنگ می‌بازد، به نحوی که یک کشور در حال توسعه نمی‌تواند مطمئن باشد که منافعی را در گروه تامین خواهد کرد، همان گونه که این اطمینان در بحث‌های مربوط به توسعه اقتصادی در مجامع بین‌المللی نیز متصور نیست. بنابراین، با توجه به گستره روزافزون سیستم نوین تجارت بین‌المللی و WTO فقط این کشورهای در حال توسعه هستند که باید منافع خود را راساً ارزیابی و پایدار کنند.

MEANINGFUL MARKET
COMMITMENTS ACCESS

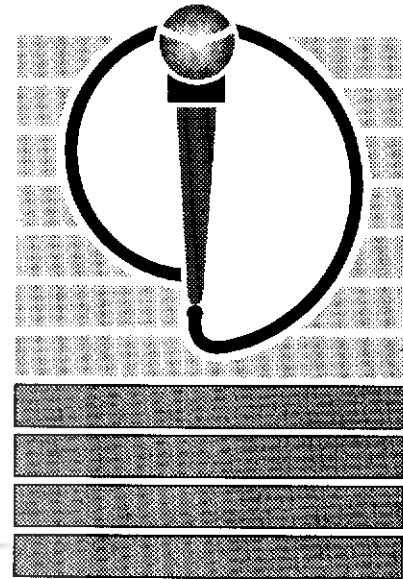
به هر تقدیر، پس از بحث‌های طولانی، چهار محور اصلی زیر برای دستور کار آتی اجلاس سوم مورد توافق قرار گرفت:

- ۱- اجرای موافقت‌نامه و تصمیمات موجود و محورهای مذاکرات آتی بر اساس دستورالعمل اجلاس مراکش (دوراوگوته).
 - ۲- زمینه‌های ممکن برای کار آتی سازمان جهانی تجارت بر اساس برنامه کار اجلاس سنگاپور.
 - ۳- پی‌گیری اجلاس مقامات ارشد در خصوص کشورهای کمتر توسعه یافته.
 - ۴- بررسی و در مد نظر قرار دادن موضوع‌های جدید درباره روابط تجاری چند جانبه که بایستی توسط اعضا پیشنهاد و تصویب شود.
- چهار بند فوق‌الذکر سبب ایجاد تعادل بین نظر کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته شد

۳- اعلامیه وزرا در خصوص تجارت جهانی الکترونیکی

شرکت ریاست جمهوری آمریکا در پنجاهمین سالگرد گات و پیشنهاد وی برای برگزاری اجلاس سوم در سال ۱۹۹۹ در آمریکا، همراه با هدف متقاعد کردن کشورهای عضو نسبت به اهمیت موضوع تجارت الکترونیکی و گنجاندن آن در دستور کار سازمان جهانی تجارت، که با حمایت اتحادیه اروپا و ژاپن روبرو گردید، سبب شد که اعلامیه جداگانه‌ای در این خصوص به تصویب اجلاس وزرا برسد و به همین جهت، شورای عمومی موظف شد که در برنامه کار آینده خود تمهیداتی را بیندیشد که تمام ابعاد تجارت جهانی الکترونیکی از جمله مسایلی که توسط اعضا شناسایی می‌شود، مورد بررسی

مصاحبه



جایگاه جهانی ایران از لحاظ صادرات مواد معدنی

● گفت و گویی با آقای میرمحمد صادقی، نایب رییس اتاق ایران و رییس اتحادیه صادرکنندگان مواد معدنی و ساختمانی

مقدمه

سنگ‌های ساختمانی و تزئینی و دیگر مواد معدنی از جمله اقلامی است که در صورت توجه و سرمایه‌گذاری‌های لازم می‌تواند در برنامه توسعه صادرات غیرنفتی کشور از اهمیت به‌سزایی برخوردار باشد. وسعت خاک، تنوع جغرافیایی و وجود منابع و معادن بی‌کران در هر گوشه از خاک پهناور ایران، کشور ما را به صورت بالقوه در ردیف یکی از غنی‌ترین کشورهای جهان در ارتباط با صادرات سنگ و مواد معدنی قرار داده است. بهره‌گیری از این منابع خدادادی به سرمایه‌گذاری‌های سنگین و تکنولوژی پیشرفته متناسب با شرایط امروز بازارهای جهان نیاز دارد و تحقق این امر مستلزم ایجاد تسهیلات لازم برای بخش خصوصی از طرف دولت است، به نحوی که بخش خصوصی‌انگیزه لازم را برای مشارکت در

اکتشاف و بهره‌برداری از معادن کشور پیدا کند. طبق تحقیقات به عمل آمده، در حال حاضر، تنها از درصد بسیار ناچیزی از معادن شناخته شده در کشور بهره‌برداری می‌شود و این در حالی است که هنوز بخش اعظم معادن با ارزش در سطح کشور کشف و شناخته نشده است.

به منظور آگاهی بیشتر خوانندگان از وضعیت کنونی معادن و موانع و مشکلات موجود بر سر راه توسعه صادرات مواد معدنی و سنگ‌های تزئینی و ساختمانی، با آقای میرمحمد صادقی، نایب رییس اتاق ایران و رییس اتحادیه صادرکنندگان مواد معدنی که از صاحب نظران این زمینه هستند، گفت و گویی ترتیب داده‌ایم که در زیر از نظر خوانندگان می‌گذرد: آقای میرمحمد صادقی در پاسخ به این سؤال که ایران از نظر معادن در چه موقعیتی قرار دارد، اظهار

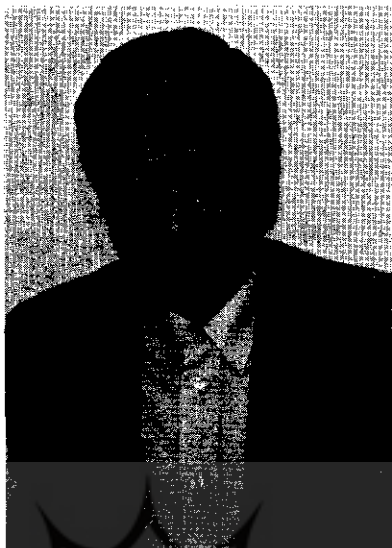
داشت؛ با توجه به وسعت خاک، وضعیت توپوگرافی و موقعیت جغرافیایی ایران به حمد... کشور ما از نظر پتانسیل‌های معدنی از شرایط بسیار مساعدی برخوردار است و در هر گوشه از خاک کشور معادن غنی و سرشاری یافت می‌شود که در دنیا بی‌نظیر است، به طوری که طبق اطلاعات موجود در آرشیوهای وزارت معادن و فلزات تاکنون بیش از ۴۰ نوع انواع مواد معدنی فلزی و غیرفلزی یا معادن زغال سنگ در مناطق مختلف کشور کشف شده و مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. اما نظر بیشتر کارشناسان و معدن شناسان بر این است که عملیات زمین‌شناسی و اکتشاف معادن تاکنون برای شناخت امکانات وسیع بالقوه‌ای که در سطح کشور وجود دارد، کافی نبوده و لازم است کارهای بیشتر و گسترده‌تری در این زمینه صورت گیرد.

زیادی برخوردار است، در قانون به آیین‌نامه موکول شده است. در قانون جدید حتی چگونگی اکتشاف معادن، میزان و محدوده حق و حقوق دولت و نحوه وصول آن و نیز چگونگی صدور پروانه اکتشاف و بهره‌برداری از معادن را به آیین‌نامه واگذار کرده‌اند که این امر بار مسوولیت تهیه‌کنندگان آیین‌نامه را هم بسیار سنگین می‌کند. نگرانی عمده‌ای که وجود دارد، این است که تهیه‌کنندگان آیین‌نامه نسبت به قانون جدید نگاه دولتی داشته باشند و آن طور که باید و شاید اهمیت مشارکت بخش خصوصی را مورد توجه قرار ندهند. در این صورت، باز مشکلات گذشته به شکل دیگری باقی خواهد ماند.

● در تدوین آیین‌نامه جدید باید مقررات و تشریفات اداری بازدارنده از پیش پای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برداشته شود

آنچه بیش از همه مهم است این است که در تدوین آیین‌نامه باید آسان‌ترین و کوتاه‌ترین راه‌برای علاقه‌مندان به سرمایه‌گذاری در اکتشاف و استخراج معادن در نظر گرفته شود و حتی لامکان از ایجاد بوروکراسی و تشریفات زاید اداری بر سر راه بخش خصوصی پرهیز شود. موضوع مهم دیگر ایجاد امنیت شغلی برای سرمایه‌گذاران بخش خصوصی است، چه حتی اگر در صورت ظاهر قانون جدید نکات مثبتی وجود داشته باشد، ولی در تنظیم آیین‌نامه تسهیلات لازم از لحاظ کاستن میزان مراجعات و مکاتبات و تشریفات و مقررات دست و پاگیر در نظر گرفته نشود، مسلماً باز هم بخش خصوصی نخواهد توانست حضور فعالی در این صحنه داشته باشد.

آقای میرمحمد صادقی در توضیح بیشتر نظریات خود پیرامون ایرادهایی که به قانون جدید معادن وارد است، می‌افزاید: در پیش‌نویس آیین‌نامه قانون گفته شده که متقاضی دریافت پروانه اکتشاف معدن در اولین مرحله طرح درخواست خود باید یک نفر را به عنوان مسوول فنی به وزارت معادن و فلزات معرفی کند و اسناد و مدارک مربوطه را به امضای اشخاصی که از آنها با عنوان افراد ذیصلاح نام برده شده، برساند، در حالی که به نظر ما، روش صحیح این است که دولت راساً بر کار دریافت‌کننده مجوز نظارت کرده و از



آقای میرمحمد صادقی در تشریح نظریات خود پیرامون ویژگی‌های قانون جدید معادن، که اخیراً به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. یادآور شد: قانون جدید که به همت مسوولان وزارت معادن و فلزات و با همکاری و مساعدت نمایندگان محترم

مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده، از نظر اصولی و از لحاظ ایجاد انگیزه برای مشارکت بخش خصوصی در فعالیت‌های معدنی در مقایسه با قانون قبلی، حاوی نکات مثبتی است. عمده‌ترین این نکات مثبت عبارتند از:

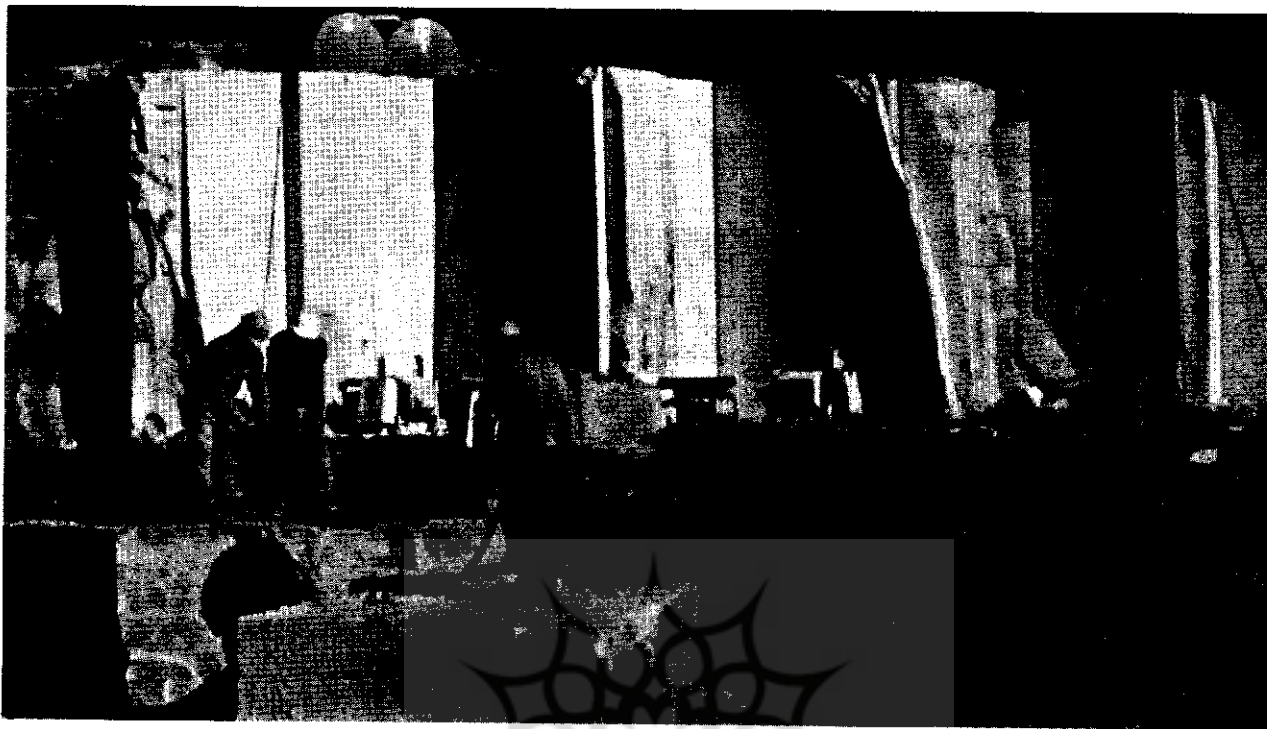
- ۱- قایل شدن حق بهره‌برداری برای کاشفان معادن
- ۲- افزایش مدت زمان بهره‌برداری از ۵ سال به ۲۵ سال
- ۳- تأسیس یک بانک یا صندوق بیمه برای پرداخت کمک‌های مالی به اکتشاف‌کنندگان و تأمین بخشی از هزینه‌های آنان در مواردی که عملیات اکتشاف به نتیجه دلخواه نمی‌رسد و سرانجام، ایجاد پوشش‌های حمایتی برای واحدهای فرآوری‌کننده سنگ و مواد معدنی.

در کنار مزیت‌های مثبتی که در قانون جدید معادن مشاهده می‌شود، بعضی نارسایی‌ها هم به چشم می‌خورد. از جمله آن که در قانون جدید در هیچ موردی حقوق اکتشاف‌کننده و بهره‌برداری‌کننده و نوع و میزان تعهدات متقابل بهره‌بردار و دولت مشخص نشده و تمامی این موارد، که از اهمیت

نایب رییس اتاق ایران در پاسخ به این سؤال که چه عوامل بازدارنده‌ای بر سر راه اکتشاف و بهره‌برداری بهینه از معادن کشور وجود دارد، خاطرنشان ساخت که یکی از این مشکلات که در دو دهه گذشته سد راه توسعه صنعت اکتشاف و بهره‌برداری از معادن بوده، محدودیت‌های قانونی است که اجازه نمی‌دهد بخش خصوصی به قدر کافی در زمینه معادن فعال باشد. وجود همین محدودیت‌ها سبب شده تا بسیاری از معادن فلزی و غیرفلزی و زغال سنگ کشور کشف نشده و دست نخورده باقی بماند. عمده‌ترین عامل بازدارنده در قانون مصوب سال ۱۳۶۲ محور قراردادن بخش دولتی در امر معادن و سپرده‌شدن بیشترین تصدی کار اکتشاف و بهره‌برداری از معادن به شرکت‌های دولتی و در حاشیه قرار دادن بخش خصوصی بود. ایراد دیگر قانون مزبور آن بود که در آن برای کاشفان معادن حق و حقوقی در نظر گرفته نشده بود که در نتیجه، به دلیل فقدان انگیزه لازم کمتر کسی در بخش خصوصی حاضر می‌شود در زمینه اکتشاف معادن، که کاری پرهزینه و دارای ریسک بسیار بالاست، اقدام به سرمایه‌گذاری کند. مضافاً این که در قانون مدت اجاره

● اگر تهیه‌کنندگان آیین‌نامه اجرایی برای قانون جدید معادن، با دید دولتی به موضوع بنگرند، مشکلات همچنان باقی خواهند ماند

بهره‌برداری از معادن ۵ سال در نظر گرفته شده بود و با توجه به این که اکتشاف، تجهیز و بهره‌برداری از معادن به مدت زمان طولانی نیاز دارد، تعیین مدت ۵ سال برای اجاره معادن به بخش خصوصی عملاً امکان مشارکت این بخش در فعالیت‌های مرتبط با اکتشاف و بهره‌برداری از معادن را منتفی ساخت و فعالیت بخش خصوصی عمدتاً بر روی معادن سنگ‌های تزئینی طبقه اول متمرکز شد. البته تمرکز بخش خصوصی روی معادن سنگ‌های تزئینی این حسن را داشت که ایران از نظر صادرات سنگ‌های تزئینی در جهان مقام دوم را کسب کرد و همین امر شسایستگی و توانایی بخش خصوصی را در بهره‌برداری درست و بهینه از معادن به همگان نشان داد.



او انجام کار صحیح طبق ضوابط تعیین شده را انتظار داشته باشد و نحوه انجام کار را به خود عامل اکتشاف معدن واگذار کند، چه در غیر این صورت، باز هم قید و بندهای قانونی گذشته بار دیگر به صورت موانع بازدارنده بر سر راه بخش خصوصی ظاهر خواهد شد.

● ایران به لحاظ جغرافیایی و منابع بی کران خدادادی می تواند از نظر صادرات مواد معدنی جایگاه مهمی در جهان داشته باشد

نکته دیگر مربوط به بهره‌برداری و پروانه بهره‌برداری است که لفظ آن به قدر کافی جامع و کامل است و نیازی به تعبیر و تفسیر ندارد، یعنی معدن کار اجازه دارد که به استناد در دست داشتن پروانه، از حق ابتکار عمل، نوآوری و بهره‌گیری بهینه از مواد معدنی، که در برگیرنده کلیه مراحل است، برخوردار باشد و این طور نباشد که از معدن کار خواسته شود که برای هر مرحله‌ای تحت عناوینی چون کانه‌ارایی و فرآوری مجوز جداگانه اخذ کرده و تعهدات اضافی را بپذیرد. این شیوه، برانگیزه مشارکت بخش خصوصی در معدن کاری تأثیرات منفی خواهد گذاشت.

رییس اتحادیه صادرکنندگان مواد معدنی در پاسخ به این سوال که مناسب‌ترین راه کارها برای لحاظ کردن در آیین‌نامه اجرایی قانون کدام است؟ تصریح کرد: به نظر ما در ارتباط با بخش اکتشاف، وزارت معادن و فلزات باید با هماهنگی سایر وزارتخانه‌های ذیربط ترتیباتی را فراهم سازد که عامل اکتشاف بتواند بعد از صدور پروانه اکتشاف، بدون نگرانی و دغدغه خاطر و برخورد کردن بامانع‌تراشی‌های سایر ارگان‌ها مانند محیط زیست و منابع طبیعی، عملیات اکتشاف را انجام دهد و در ضمن، باید مدت زمان مجوز اکتشاف متناسب با نوع ماده معدنی مورد نظر تعیین شود تا اکتشاف‌کننده فرصت کافی برای رسیدن به نتیجه داشته باشد.

همچنین، دولت باید نقشه‌های زمین‌شناسی و توپوگرافی و دیگر تسهیلات لازم را در اختیار عامل اکتشاف قرار دهد و از درخواست آرایه طرح تئوری، که اکثراً بر روی زمین قابل پیاده کردن نخواهد بود، خودداری ورزد.

در ارتباط با بخش بهره‌برداری هم موارد مربوط به حد و حدود حقوق دولت باید به وضوح و با شفافیت در آیین‌نامه مشخص شود و در مدتی که عامل اکتشاف مشغول تهیه تجهیزات لازم برای شروع عملیات اکتشاف است و در طول مدت انجام اکتشاف، از

پرداخت حقوق دولتی معاف باشد و در نهایت این که در آیین‌نامه اجرایی باید تأکید شود که پروانه بهره‌برداری به عنوان مجوز قانونی برای ایجاد تاسیسات و تجهیزات مورد نیاز عملیات کارایی تلقی شده، از واداشتن دارنده مجوز به اخذ مجوزهای

● در کنار مزیت‌های مثبتی که در قانون جدید معادن مشاهده می‌شود، بعضی نارسایی‌ها هم به چشم می‌خورد

گونگون خودداری شود.

تأکید مجدد بنده این است که چون در قانون جدید اخذ تصمیم درباره بیشتر امور به آیین‌نامه اجرایی موکول شده، لذا اولاً آیین‌نامه باید توسط کسانی تدوین شود که عمیقاً به مشارکت بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی اعتقاد داشته باشند و در ثانی، با دیدی باز و با واقع‌نگری و جامع‌نگری آیین‌نامه را تدوین کنند تا راه جلب سرمایه‌های بخش خصوصی داخلی و خارجی به سوی فعالیت‌های معدن کاری در کشور ما هموار شود.



گزارشهای ویژه

اتریش همراه بود، روابط تجاری دو کشور به تدریج روند صعودی به خود گرفت. به تازگی بیمه دولتی اتریش (کنترل بانک) نرخ بیمه را در قبال اجرای پروژه‌ها در ایران به میزان یک درصد کاهش داده که این امر می‌تواند به توسعه بیشتر مناسبات فی مابین منجر شود.

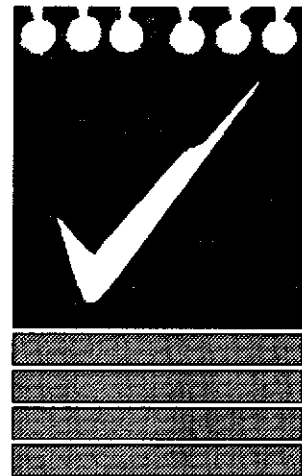
جدول مبادلات تجاری ایران و اتریش از سال‌های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸

(ارقام به میلیون دلار)

شرح	سال ۱۹۹۶	سال ۱۹۹۷	پنج ماهه اول سال ۱۹۹۸
صادرات اتریش به ایران	۲۰۶	۲۷۱	۸۸
واردات اتریش از ایران	۸۳	۴۰	۹/۸
حجم کلی تجاری	۲۸۹	۳۱۱	۹۷/۸
کسری موازنه تجاری ایران	۱۲۳	۲۳۱	۷۸/۲

ایران از جمله توسعه راه آهن، معادن، صنایع چسب و کاغذ و تاسیسات مشارکت عمده‌ای دارد. چهارمین کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و اتریش در خرداد ماه سال ۱۳۷۷ تشکیل شد و به امضای یادداشت همکاری‌های مشترک اقتصادی دو کشور انجامید.

بر اساس گزارش منتشر شده از سوی منابع آماری اتریش، طی دو سال اخیر، تقاضای بازار ایران برای کالاهای اتریشی به شدت افزایش یافته است. حجم صادرات اتریش به ایران در سال ۱۹۹۵ برابر ۱۴۵ میلیون دلار، در سال ۱۹۹۶ معادل ۲۰۶ میلیون دلار و در سال ۱۹۹۷ به ۲۷۱



نگاهی به روابط اقتصادی ایران و اتریش

اتریش در سال ۱۹۹۷ به ترتیب معادل ۵۴ و ۶۰ میلیارد دلار بوده است. صنعت توریسم یکی از منابع عمده درآمد این کشور به شمار می‌آید.

اوج روابط اقتصادی ایران و اتریش به سال‌های ۹۲-۱۹۹۱ بر می‌گردد که حجم کلی روابط به حدود یک میلیارد دلار نزدیک شد. با کاهش درآمدهای نفتی و متعاقب آن، بروز مشکل بازپرداخت دیون، روابط اقتصادی فی مابین به تدریج روند نزولی به خود گرفت. اما با استهلال و بازپرداخت دیون، که با ارایه اعتبارات جدید از سوی بانک‌ها و بیمه دولتی

کشور اتریش بیش از ۷/۷ میلیون نفر جمعیت دارد. این کشور در اروپای مرکزی واقع شده و دارای یک حکومت فدرال می‌باشد که از ۹ فدراسیون تشکیل شده است. نظام سیاسی کشور اتریش دموکراسی پارلمانی است و از لحاظ روابط خارجی یک کشور بی‌طرف محسوب می‌شود. اتریش از سال ۱۹۹۵ به عضویت اتحادیه اروپا در آمده است.

رشد اقتصادی اتریش در سال ۱۹۹۶ معادل ۱ درصد، نرخ تورم کمتر از ۲ درصد و نرخ بیکاری برابر ۵ درصد بوده است. میزان صادرات و واردات

اطلاعیه

قابل توجه اعضای محترم اتاق

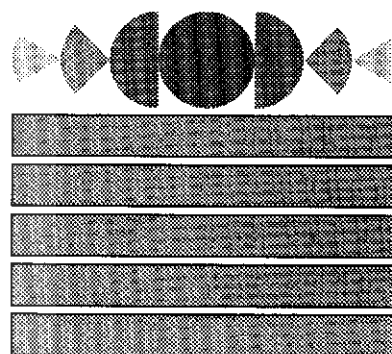
به تصمیم کمیته مالیاتی اتاق ایران نهادی تحت عنوان واحدامور مالیاتی در اتاق ایران تشکیل گردیده است. بدینوسیله مراتب جهت حل و فصل مسائل مالیاتی اعضای محترم اتاق به اطلاع میرسد. امیداست که خدمات این واحد جدید مورد توجه بازرگانان و صاحبان صنایع و دیگر اعضاء و سازمانهای وابسته به اتاق قرار گیرد.

واحدامور مالیاتی

امور حقوقی و داوری اتاق

رنج‌های مردی که داور خود را در قرارداد تعیین نکرد!

مجید مصطفوی کاشانی



اهمیت و نقش داوری در حل اختلافات، اگرچه آن‌گونه که باید و شاید بر همگان شناخته نشده، اما امروزه با گسترش اجتماعات و تبادلات تجاری و پیچیدگی امور، و به تبع آن، با افزایش مناقشات و اختلافات در مراجع قضایی، روز به روز ماهیت نهاد داوری روشن‌تر و آشکارتر می‌شود و بسیاری از افراد ترجیح می‌دهند اختلافات خود را، به جای دادگاه‌ها، از طریق حکمیت و داوری حل کنند.

در مورد داوری و امتیازهای آن نسبت به محاکم دادگستری (از جمله سادگی تشریفات، انتخاب داور متخصص و خبره، هزینه کم، سرعت بیشتر در نتیجه‌گیری...) و سایر مسایل آن، کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده که حق مطلب را به خوبی ادا کرده‌اند. اما برخی نکات ظریف و حساس وجود دارند که چنانچه توجه کافی و دقیق به آنها نشود چه بسا که نافی مزایای داوری گردد و مشکلات هدیده‌ای را باعث شود.

یکی از نکات مهمی که طرفین قرارداد در تنظیم ماده مربوط به حل اختلافات از طریق حکمیت می‌بایست مدنظر قرار دهند تعیین یک شخص حقیقی، یا توجیحاً حقوقی، به عنوان داور مرضی الطرفین است. هر بسیاری از قراردادها، طرفین توافق می‌کنند که حل اختلافات احتمالی خود را از طریق داوری یا حکمیت حل و فصل نمایند ولی داور یا داوران خود را معین نمی‌کنند. در این‌گونه موارد، چنانچه اختلافی بروز کند، طرفین می‌بایست با توجه به قواعد کلی داوری مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی نسبت به تعیین داور اقدام کنند که تابع تشریفات است و عملاً می‌تواند موجب گندی کار و در نتیجه اطاله رسیدگی و اتلاف وقت بیشتر شود.

به موجب ماده ۶۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی "هرگاه طرفین داور یا داورهای خود را در ضمن معامله یا قرارداد معین نکرده باشند و در موقع بروز اختلاف یک طرف داور خود را معین ننماید، طرف دیگر می‌تواند داور خود را معین کرده به وسیله اظهارنامه رسمی او را به طرف مقابل معرفی و درخواست نماید که داور خود را معین و معرفی کند. در این صورت طرف مکلف است که در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه و بازعایت مدت مسافت، داور خود را معین و اعلام کند و هرگاه تا انقضای مدت مذکور اقدام ننمرد دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به موضوع اختلاف را دارد به درخواست طرفی که داور خود را معین کرده است داور طرف دیگر را معین خواهد نمود."

از ظاهر این ماده قانونی به نظر می‌رسد که روند تعیین داور چندان هم دشوار و پیچیده نیست و با ارسال یک اظهارنامه و پس از آن یک دادخواست و صرف مدت نه چندان زیادی می‌توان به مقصود رسید. اما، در عمل این‌گونه نیست و همین روش ساده به دلایل مختلف می‌تواند ماه‌ها، و حتی سال‌ها، نیز به طول انجامیده و به کابوسی رنج آور برای متقاضی تعیین داور تبدیل گردد.

برای نمونه، موردی که نگارنده به عنوان وکیل در آن دخالت داشته و همچنان ادامه دارد در این‌جا نقل می‌شود تا شاید موجب عبرت آن‌هایی گردد که هنوز در قراردادهایشان داور یا داورها را معین نکرده‌اند.

شهریور ۱۳۷۲: جلسه رسیدگی دادگاه

دادگاه در موعد مقرر تشکیل جلسه داد و نظر به این که دادخواست تقدیمی آقای الف می‌بایست به طرفیت شرکت ج و آقای ب مطرح می‌شده و این موضوع مورد ایراد دادگاه قرار گرفت، آقای الف دادخواست خود را مسترد کرد تا دادخواست جدیدی تقدیم کند.

آقای الف باردیگر به دفتر مراجعه کرده و خواستار دخالت مستقیم اینجانب به عنوان وکیل ایشان در طرح دعوی شد. اظهارنامه‌ای خطاب به شرکت ج به مدیریت آقای ب تنظیم نموده و با معرفی داور منتخب آقای الف، از آقای ب خواستار تعیین و معرفی داور اختصاصی شرکت ج و آقای ب طی مهلتی معین شدم. آقای ب در پاسخ، اظهارداشت که وکیل شرکت جوابگو خواهد بود.

آبان ۱۳۷۲: تقدیم دادخواست جدید

پس از پایان مهلت مندرج در اظهارنامه، دادخواستی به طرفیت شرکت ج و آقای ب برای تعیین داور به دادگاه تقدیم شد. اما چند روز بعد، اظهارنامه‌ای با امضای وکیل آقای ب و شرکت ج در پاسخ به اظهارنامه ارسالی ما به دفتر ابلاغ شد که در آن به ماهیت دعوی پرداخته بود. همین اظهارنامه موجهی شد تا وکلای طرفین با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و با رضایت موکلین خود مقرر شد موضوع از طریق مداخله وکلا و سازش حل گردد. به همین دلیل برای نشان دادن حسن نیت دادخواست تقدیمی را مسترد نمودیم و جلساتی با وکیل آقای ب و حضور طرفین اختلاف تشکیل دادیم. در جلسات مذکور اگر چه طرفین به توافق‌هایی رسیدند، اما در عمل، به علت خلف وعده‌های آقای ب نتیجه‌ای حاصل نگردید و آقای الف خواستار طرح مجدد موضوع در مرجع قضایی شد.

اسفند ۱۳۷۲: روز از نو، روزی از نو

بار دیگر اظهارنامه‌ای خطاب به شرکت ج به مدیریت آقای ب تنظیم و ارسال شد که طی آن آقای الف ضمن معرفی داور، خواستار تعیین داور و حل و فصل اختلافات از طریق حکمیت شد.

خرداد ۱۳۷۳: و تقدیم دادخواست دیگر

نظر به این که برای تقدیم دادخواست به مرجع قضایی می‌بایست نسخه دوم اظهارنامه که به امضا

در آبان ماه ۱۳۷۱ یکی از دوستان (آقای الف) برای مشاوره حقوقی مراجعه می‌کند و ضمن شرح ماجرای اختلاف خود با شریکش (آقای ب) مدارکی ارایه می‌نماید. براساس این مدارک آقای الف در آذرماه ۱۳۶۹ قراردادی برای فروش کالائی با شرکت ج (که در شهرستان لنگرود واقع است) به مدیریت آقای ب منعقد می‌کند که طبق همین قرارداد طرفین توافق می‌نمایند در صورت بروز هرگونه اختلاف در اجرای قرارداد، مشکل از طریق مذاکره حل و فصل گردد و در صورت عدم حصول نتیجه مطلوب، موضوع به کمک حکم منتخب طرفین فیصله یابد. مدتی پس از امضاء قرارداد، اختلافاتی در نحوه اجراء آن پیش می‌آید و مذاکرات طرفین و پادرمیانی اطرافیان برای رفع اختلاف به نتیجه‌ای نمی‌رسد. حالا آقای الف نزد مشاور حقوقی آمده بود تا راه و چاه را بپرسد و از طریق حکمیت موضوع را فیصله دهد.

راهنمایی‌های لازم به ایشان داده شد و آقای الف از همان تاریخ اقدامات خود را آغاز کرد.

آبان ۱۳۷۱: ارسال اظهارنامه

آقای الف تلگرافی برای آقای ب ارسال کرد و طی آن، ضمن معرفی داور خود، خواستار ارجاع اختلاف به حکمیت شد. آقای ب در پاسخ، تقاضای مهلت نمود و چون در پایان مهلت، اقدامی به عمل نیامد، آقای الف با ارسال اظهارنامه‌ای به نامبرده، از آقای ب می‌خواهد که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه داور خود را معین و رسماً نام او را اعلام نماید.

آقای ب در واکنش نسبت به اظهارنامه، مبلغی از کل مطالبات آقای الف را به حساب ایشان واریز کرد و طی نامه‌ای خواستار انصراف آقای الف از سابقه مطالباتش شد.

اسفند ۱۳۷۱: تقدیم دادخواست

آقای الف به ناچار دادخواستی علیه آقای ب به مرجع قضایی تقدیم کرد و طی آن خواستار رسیدگی دادگاه و تعیین داور خوانده و عنداللزوم داور ثالث شد. پرونده در یکی از شعب دادگاه‌های حقوقی یک سابقه تشکیل و وقت رسیدگی در شهریور ماه ۱۳۷۲ تعیین گردید.

طرف دعوی می‌رسد پیوست دادخواست باشد، و ارسال اظهارنامه و ابلاغ آن به آقای ب در شهرستان و عودت نسخه ابلاغ شده به دایره اظهارنامه حدود سه ماه به طول انجامید، دادخواست تعیین داور در خرداد ماه ۱۳۷۳ به دادگستری داده شد.

آذر ماه ۱۳۷۳: جلسه رسیدگی

در جلسه رسیدگی دادگاه، وکلای طرفین حضور یافتند و دادگاه پس از استماع اظهارات وکلا، حدود یک ماه بعد اتخاذ تصمیم نمود. اما، به رغم آن که قرارداد منعقد در تهران تنظیم و امضاء شده و مکاتبات طرفین قرارداد (که در پرونده موجود بود) نیز حاکی از همین امر بود، و با وجود آن که طبق قانون، در دعاوی بازرگانی، خواهان می‌تواند علاوه بر اقامه دعوی در دادگاه محل اقامت خواننده، در دو دادگاه دیگر (دادگاه محل وقوع عقد یا قرارداد و دادگاه محل انجام تعهد) نیز اقامه دعوی کند، دادگاه صادرکننده رای، دادگاه محل اقامت شرکت خوانده (شهرستان لنگرود) را صالح به رسیدگی دانست و قرار عدم صلاحیت خود را صادر کرد.

بهمن ماه ۱۳۷۳: پیش به سوی لنگرود

پس از ابلاغ دادنامه صادره، و در مهلت قانونی تجدیدنظر، برای تقدیم دادخواست تجدیدنظر به شعبه دادگاه مراجعه کردیم اما با کمال تعجب متوجه شدیم که دادگاه پرونده را، قبل از پایان مهلت قانونی تجدیدنظر، به شهرستان لنگرود فرستاده است. به همین دلیل هم مسؤولان دادگاه، دادخواست تجدیدنظر را به بهانه این که سابقه‌ای در آن شعبه وجود ندارد نمی‌پذیرفتند و می‌گفتند دادخواست را به دفتر کل دادگاه‌های حقوقی یک (سابق) بدهید. به دفتر کل که مراجعه کردیم آنها نیز با عنوان این که دادخواست تجدیدنظر طبق قانون می‌بایست به دادگاه صادرکننده رای تسلیم شود از گرفتن آن امتناع می‌ورزیدند. سرانجام به ریاست کل دادگاه‌های حقوقی متوسل شدیم و پس از مدتی صرف وقت و انرژی و اعصاب، با دخالت ایشان قضیه فیصله یافت و دادخواست تجدیدنظر در دفتر کل دادگاهها ثبت شد تا از آن طریق به شعبه صادرکننده رای ارسال شود.